



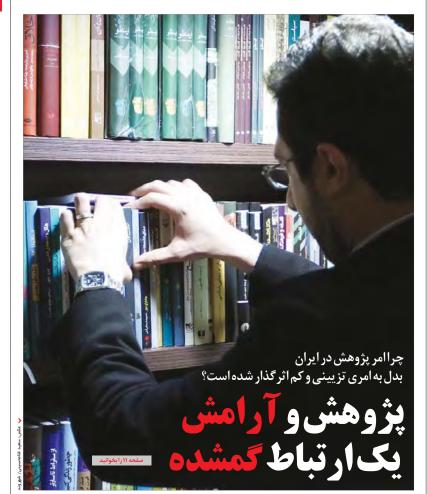
سالهشناسسي اجتماعي از بحثها و دغدغههاي مهمی است که در جوامع بشیری باید به آن توجه اشته باشندو باریشه یابی آسیبها و اختلالات جتماعی به یک نگاه اجتماعی بر سند. ما نیز باید این رويه را پيش بگيريم، هرچند در کشور ما، مسائل کاملا مشخص شده است یعنی زیرساختها مشخص و واضح است. یکی از مشکلات ما در زمینه مسائل اجتماعی، این است که معمولا علت را با معلول اشتباه گرفتهایی: مانی که به یک آسیب احتماعی-اعتباد، همه آسیبهامعلول علتهای مختلف هستند. علت همان دلیل بروز معلول است که در مسائل اجتماعی آن , ایه شکل آســیب مے پینیچ. در کشور ما، هر ,وزه ب اخبار و بحثهایی درباره کودکان خیابانی، اعتیاد کارتن خوابها، طلاق و ... روبه رو هستیم در حالی که همه اینهامجموعی از معلولها هستندو مسأله اصلی که باید به آن پرداخته شــود، علت یا علــل بروز این معلول هاست. متاسفانه هم شواهدو هم تجربه نشان داده است که همیشه معلول هاناً دیده گرفته شده اند. آسىپھا كىشىپە و در كوتاممدت پە وجود نمی آیندبلکه هر آسیب اجتماعی به مرور زمان و در طولانی صدت و براساس عوامل مختلف ایجاد می شُود به عنوان مثال بیکاری یک معضل اجتماعی است که امروزه در کشور ما به یک بحران تبدیل شده است، متاسفانه امروزه در کشور ما افراد در هر زمینه و تخصصی که تحصیل کنند، باز بیکار می مانند! یا مساله اعتیاد، آسیبی است که ۵۰سال وجود دارد سامروزه به یک معضل بدل شده است. مابرای حل این معضل نمی توانیم فرد فردِ افراد را ترک بدهیم یا به جرم معتاد بودن به زندان ببريم چون علل به وجود امدن چنين مشكلي، ريشه در خود جامعه دارد؛ فقر، ستان چندان استنجان (رسم تو باستان دارد سور بیکاری، فقدان امنیت احتماعی و شغلی و .. مجموع آیات توامل از برساختمای، به وجود اسدان اعتباد رامهیا می کنند، وقتی به فردی ۲۳ ساله بر می خور یم که الوده به مواداست، نباید بگوییم که ۴.۳ سال است که معتاد شده، واقعیت این است که این فرد ۳۳ سال است معتاد شده چون یکسری از عوامل-سیاستهای اجتماعی، احساسی و خانوادگی-در این ۲۳سال در او جمع شده

دریک دهه اخیر ذهن همه افراد را به نوعی به خود نول کرده،این است که چُراجُوانانُ تمایلی بُه تشكيل خانواده ندار ند، چرا افراد به سمت بزهها می روند. ســواُلاتی که هنوز برای ُهیچ یک به راه ُحل مناسب نرسیده ایم درحالی که بخشی از این مشکلات ریشه در مسائل اقتصادی دارد. قبل از انقلاب ما هر سال ۳۰ تا ۳۵درصد تورم داشــتیم و در مقابل ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایس حقوق، در حالی کــه طبق قانون اساسی حقوق ها باید متناسب با تورم و یک در صد بیشتر از تورم افزایش یابد امامتاسفانه دولت هانه تنها . در از از این است. تناسب با تورم به افراد حقوق ندادهاند بلکه ۵۰ تا عدرصدهم کمتر پرداخت کرده انداگر در جامعهای، فاتواده امنیت داشته باشد، حقوق و مزایا متناسب با شرايط اقتصادى باشدو تحصيل وكأر جُوانان مناسم باشـد، فرد تربیت شـده در چنین سلسـله مراتبی ر بری مطمئنا در مسیر رشد و پویایی قرار می گیرد و کمتر به آسیبهای اجتماعی رومی آورد. مدتهای مدیدی است درباره آسیبها صحبت

وبراثر فشار این عوامل فر دیه اعتیاد رو آور ده است.

مىشـود واز أنجاكه هيچ وَقْتُ به زيرسـاختها پرداخته نشده و همیشه معلول ها دیده شدهاند، این باعث شده آسیبها حل نَسوند و در برخی زمینهها مسأله به یک بحران بدل شده است. برای حل معضلات، این یک اصل است که در هر زمینه بایدشایستهسالاری در نظر گرفته شودو در هر منصبي بايداز افراد شايسته استفاده واز اين افراد نتيجه رسيدهاند كهجواب يكسرى از مسائل روشن است و باید روی علل اُنها کار شُود و زمانی که پی بردیم علتها کدام هستند، باید شروع به تحقیق، پژوهش و بررسی کنیم تا متوجه شویم چه عواملی باعث بروز این علتها شده و چه مسائلی موجبات . ماندگاری آنها را فراهم آورده است. برای رسیدن به نگاه اجتماعی باید ایسن را در نظر بگیریم که دولت چه برنامه ای دارد. هـ رجایی برای خود قانونی دارد و ماهم در کشور خودمان برنامه داریسه از برنامه اول، دوم و ... و حالا برنامه ششم که گفته می شود، در حال نگارش است. پنج سال قبل بر آور د شده که وزرا باید چه کار هایی اتجام بدهند. این برنامه راسالانه طراحی کردهاند و به هـ روزیر میدهند تاطی یکسـال برنامههایـی را اجرایـی کند که متاسفانه این مسأله مغفول مانده است.اوقتی وزیری به مجلــس می رود از او می پر ســند چــه کارهایی میخواهی انجام بدهی در حالی که کار قوه مجریه، اجرای برنامه های تدوین شده است و تنها باید از او عملکرد و نتیجه کار خواسته شود. متاسفانه کسی ضامن اجرای برنامه های نوشته شده نیست. ما برای این که شاهداین همه آسیب اجتماعی نباشیم، باید برنامه ریزی دقیقی داشته باشیم و در این پروسه، . کنیم که چه نیازهایی داریم و برای بر طرف شدن آنها چه بایدانجام بدهیم ماهنوز به علت هانر سیدهایم





Tarheno@shahrvand-newspaper.ir :ارتباط باگروه طرح نو:

جامعه توانمند

انسان فرهيخته، حامعه فرهيخته

اسماعیل قدیمی، جامعه شناس در گفت و گو با «شهروند» مطرح کرد:

توسعه، گذرگاه همدلی و همکاری در کشور

طرح نو اتوسعه علمی، مفهومی کلی وازجهاتی مبهم است، زیرااین واژه، اصطلاح یا عبارت ترکیب شناخته ای که معنای واحد و واضحی داشته باشد، یست؛ به علاوه دو واژه توسیعه و علم که عبارت بیسته به خود خورور توسعه و ساز مختلف به توسعه علمی را می سازند، در معانی مختلف به کار میروند. برخی از صاحب نظران توسعه علمی را صرفا با ارتقالی علوم محض مثل ریاضیات و فیزیک و شیمی می سنجند و براساس افزایش . نعداد مقالات چاپ شــده در نشــر یات خارجی، رباره توسعه علمی صحبتَ می کننــد عدهای دیگر، توسیعه دانش نویس و فناوری های جدید دیدر، ورسعه ناس ویوسی و نداوری های جدید مانند دورهای نابو و انرژی های تجدید بر را معیار سنجش توسعه علمی می دانند (اسماعیل قدیمی ادکترای جامعهشناسی و مدرس دانشگاه، توسعه علوم انسانی و علوم اجتماعی را زیربنای ر ۱۳۰۸ کار این اعتقاد توسعه علمی هر کشـور میداند. او بر این اعتقاد است که هر چه حوزههای علوم فنی، مهندسی و علوم پایه پیشرفت کند، بدون توسعه علوم انسانی، امکان ندارد کشــوری به توسعهٔ علمی دست پیدا کند.معیارها،موانع و چشماندازهای توسعه علمی و نسبت توسعه علمی و توسعه اجتماعی موضوع گفتو گوی اشهروند؛ بااین مدرس دانشگاه است.

توسعه علمي أز نظر شماچه تعریفی دارد؟ توسعه علمی را باید در مفهوم بسیط نگریست. ظور این است کسه وقتی می گوییم توسعه علمی، این توسعه می تواند در همه ابعاد، پزشکی مهندسی یا علوم انسانی و اجتماعی باشد تا همه جنبههای جامعه رادر بربگیر دامادر مواقعی توسعه

. ریشه این کمبودهااین است که ما پارادایم علم

در کشــور نداریم. به قول توماس ساموئل کوهن اگر بخواهیم در جامعهای تحول علمی ایجاد شود باید تغییر در پارادایم آن جامعه صورت گیرد. او از فت، صحبت می کند اگر بخواهیم ريا. ادايم ش ، پرادیم هسیعت، صحبت سی تند. در بحوسیم تعریفی از پارادایم ارایه دهیسم، این عبارت یعنی ارزشها، شیوههای اساسی و بنیادی؛ یعنی ما اگر رروشهای مطالعه دنیای پیرامون خودوارزشهای روشهای مطالعه دنیای پیرامون خودوارزشهای دیدگاهی خودرامتحول کنیم،می توانیم،در توسعه علمی گام برداریم، با این حال ما به لحاظ پارادایم علمی در ایران دچار نوعی سنت گرایی هستیم و

تفكيك كنيم بهعنوان مثال توسعه علمي ايران در .. ر کی ری مادر علوم پایه و محض اگر در ردههای بالانیستیم، در حد متوسط به بالا قرار داریم، مقالات ISI پژوهشهای علمی در این رشتهها پیشرفتهای خوبی داشته است و هر سال بر موفقیتهای منطقه ای و جهانی محققان ایرانی افزوده می شود. بااین حال من اعتقاد دارم که اصل و اساس توس علمي هر كشور به توسعه علوم اجتماعي و علوم انســـانی برمی گردد. ما در این فراً ینـــد در ایران به شدت ضعیف هستیم و به جرأت می توان گفت ما صاحب نظر خبره در علوم اجتماعي نداريم واكرهم داشته باشیم بسیار محدود واغلب آنها خارج نشین هستند بنابراین از این جنبه، کمبودهایی داریم.

ریشه فقدان توسعه یافتگی در علوم انسانی و به تبع آن، توسعه علمی کشــور از نظر شما

اجتُماعي و فرهنگي ظرفيتُ رقابتي با دنيانداريم؛ اگر هم داشته باشیم این ظرفیت به شدت پایین است. علت این است که ما به شدت به نفت و گاز متکی هستیم و این وابستگی در همه حوز مها وجــوددارد؛ به لحاظ توليد فكر و انديشــه هُمُ ياد . گرفتهُ ایم که متکی باشیم ما وقَتی از منابع نفتی و گازی استفاده کر دیم و با صادرات آنها، صنعت و و عربی مستحد عربیها و به مساور عدید. اقتصاد را متکی کردهایم دیگر نیازی به رقابت در وجودمان پدیدار نشده است. درواقع تولید ناخالص ر برست پیدار مستدر و عرصه اقتصادی خاص مبتنی ملی کشور ما بر دو عرصه اقتصادی خاص مبتنی شد و همین وابستگی باعث شد ما هیچوقت به دنبال آن اپارادایم شیفت، نرویم از طرفی پارادایم . ای تی چر هیاد شیفتی که مااز فقدانش رنج می بریم، باعث شد که دانشگاههای علوم انسانی واجتماعی ماهم به صورت صوری شکل بگیرد. مامثل ژاپن یک سرزمین کوچک نیستیم که فاقد هر نوع منبع ر ۳۰۰ اشد و نداند ۳۰۰میلیون جمعیتش را . چگونه راضی کند و مجبور باشــد دنبال توسـ نیروی انسانی و توسّعهٔ عُلمی برود. باید توضیح دهم که توسعه ژاپن براساس توسعه انسانی است که ممکن است بسیاری از مخاطبان از آن اطلاع

درک و تحلیل ونگاه درستی به ویژه در علوم انسانی

نداریم. با کمال تاسـف ما در عرصههای سیاسی

پس مااساسانیازی به تولیدعلم نداشن

به دنبال کسب آن برویچ:درست است؟ اصلی ترین نقطه ضعف فقدان توسعه علمی و در کل توسعه در همه حوزهها، در کشور ما، وابستگی به منابع طبیعی است. توسعه علمی هم در کشور ماصرفا توسیعه علوم پایه و مهندسیی و پزشکی

نلقی میشـود. برخلاف این تصــور، تهدیدهایی که از ناحیه فقدان توسعه علوم انسانی، جامعه ما را هدف قرار می دهد، بسیار جدی است. اگر ما دنبال توسعه علوم انسانی و اجتماعی نرویم، در آینده ر دچار انواع و اقسام آسیبهای اجتماعی میشویم. مثلا برخی می گویندما در اقتصاد دچار بیماری هلندی هستیم. یعنی ما مبتکر اقتصادی نداریم: ماکارآفرین اقتصادی و صنعتی نداریم، همه این كمبودهاً إز متكر شدر به صادرات نفت و كاز نشأت میگیرد. روسیه هم که زمانی برای خود ابرقدرت بلوک شرق تلقی می شد، مثل ایران وابسته به منابع ر است، بنابراین در جامعهای که توسعه اجتماعی و نظریهپرداز به معنای واقعی وجود نداشته باشد، هر حرکتی در راستای پیشرفت علمی صوری است و تحول بنیادی در سیاست، اقتصاد و فرهنگ را به دنبال ندارد. به عنوان مثال در حــوزه فرهنگی در . تی رکز . مقایسه با کشورهای منطقه از منظر تولید محتوای فرهنگی (در ابعاد مختلف) مشکل داریم و صاحب امتیاز و مزیت رقابتی نیستیم ما در عرصهٔ هنری، مصرف کننده صرف هستیم. اکثر اخبار حوزه فرهنگ و هنر در کشور ما، درباره توسعه ساختمانی و فیزیکی مراکز فرهنگی است، نه ارتقای فرهنگ ومحتوای هنری. نمایشگاه کتاب در کشور ماهر سال برگزار می شسود اما کتابهای جُدید، چیزی ُ به محتوای فرهنگی و سیاسی و اجتماعی مااضافه نمی کند. حتی در عرصه سیاسی هم متاسفانه ما دچار نوعی توقف فکری ریشهای هستیم حتی من مدعی هستم که سیاستمداران ماآماتور هستند.

ادامه در صفحه ۱۰

حامعه توانمند، حگونه جامعهای است؟ این جامعه نوانمند، چنونه جامعهای است! این سول هرچند ســـوالی کلی و عام اســت اما می تـــوان به آن از جوانب مختلف پاســخ گفت. در نگاهی کلی، یک جامعه توانمندبایددر ابعادمختلف فرهنگی اجتماعی جسته و مستهدی برسید کند و در هر یک از ایس ابعاد، باید و یژگی هایی را به دست آورد، البته باید در نظر داشت، نمی تــون به صورت کلی این ویژگی ها را برشـــمرد و برای این که بتوانیم به تعریفی جامع از جامعه توانمند برسیم، باید این ویژگی ها را به اجزای کوچکتر تجزیه کنیم تابه نمودهای یک جامعه توانمند برسیم به نظر من حامعه توانمند، حامعهای است که تمام آحاد آن از می جمعه تونمین اجامه این است به نمام احدان ر سلامت کامل برخور دار باشنده سلامت جسمی بروانی و از همه مهم تر سلامت اجتماعی. هر جامعه از افراد و اعضای آن تشکیل شده است، در نتیجه با داشتن فُرد توانمندمی توان به داشتن جامعه توانمند امیدوار بود. با این توضیح اگر بخواهیم فرد توانمند را تفسیر ر. و سختی برای ود. با این توضیح اگر بخواهیم فرد توانمند را تفسیر کنیم، بایداز فردی صحبت کنیم که از سطح سلامت جسمى، روانى و رفتار هاى اجتماعى مناسب برخور دار بسمی، روعی و رادارت کی بست کی مستب بر و رود است و کارآیی و بازده اقتصادی و فرهنگی بالایی دارد. جامعه هم به همین شکل است؛ اگر بخواهیم جامعهای توانمند داشته باشیم، باید تمام آحاد جامعه بسمه ای و اقتصادی از سالمت جسمی روانی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشند، هرچه انسان از تمکن مالی برخوردار باشمه، قدرت انتخابش افزایش می باسد و می تواند تحصیلات بالاتری داشته باشمه، می تواند از امکانات تختییر بود بری نصبت بهستندی هی بودند از رفاهی بیشتری بهر ممند شود یا زمانی که بیمار است. سریع تر خود را مداوا کند، همه این موار دمی توانند در توانمندی یک جامعه موثر باشند، البته نکته اساسی ین است که در بررسی یک جامعه در نظر گرفتن ت بعد مالی به تنهایی کافی نیست. ماننـــد خانوادهای که از نظر مالی تمکن دارد ولی از نظر فرهنگی کمی ن؛ درون خانواده افراد با ناخر دارد و دجار معضل اســ ۔ ۔اجرہ می کنند، کتــککاری دارند، برخلاف مهم مستجره می سند، نسبت ناری دارند، برخارد. اصل اساسسی هر خانواده، آنها حامی هم نیستند. در نتیجه چنین خانوادهای نمی تواند خانواده ســـالمی بید، پیس باشد جامعه نیز به همین صورت است، جامعه سالیم جامعه ای است که داگر خواهی به خودخواهی قالب باشد. یعنی انســـانها در خدمت یکدیگر باشند. اگر انسانهابخواهندخودخواهی داشته باشندو تنهاگلیم ساسه و حدور الزاب بیرون بکشند، نمی توانند جامعه سالم و توانمندی تشکیل دهند.هر جامعه می تواند به صورت انباشته ای توانمند شود، به این تر تیب که گروهی که توانمنداستُ،افراددیگر راحمایت کند،در این حالت و بعد: است. ادراه دید را حصیت حدد در این حدد جامعه توانمند خواهد شد. جامعه توانمند، جامعه ای ست که انسان های فرهیخته داشته باشده انسان هایی که معتقد به کسب مال حلال یا معتقد به خده همنوع هستند و به طور کلی افراد جامعه به این اعتقاد داشــته باشــند که: «چو عضوی به درد آورد روز گار ! داگر عضوها را نماند قرار». با داشــتن این مشخصات . ت سالمپودن پیش خواهد رفت. رابطه بین انسان توانمند با جامعه توانمند درواقع رابطهای متقابل است. چون انســانها، جامعه را میسازند، در نتیجه انسان های فرهیخته می توانند جامعه ای توانمندو فرهیخته بسازندو اگر جامعه توانمندباشد، جامعه ای که از این انسان ها تشکیل شده است. می تواند انسان های فرهیخته دیگری را باز تولید کند یی و حسین برخید بیران برخید شده باشند که جوامع پیشرفته، شاید برخی بر این عقیده باشند که جوامع پیشرفته، نسبت به دیگر جوامع تواتمندتر هستند. البته الزاما این دیدگاه درست نیست و شرایط خوب اقتصادی با اثر وتمند بودن فــرق دار د. به نظر من، توزیع عادلاته نر آمُد،ملاک مهمی است. توزیع عادلانه به این معنی بیست که همه به طور یکسان در آمدداشته باشند بلکه هر کسی براساس تُوانایی ها و تُلاش خود باید در آمد داشته باشد، به عبارت دیگر نباید کسب در آمدهای بادآورده در آن جامعه رواج داشته باشد. درواقع می توان گفت، در جوامع پیشــرفته این امر توس دوانتها مدیریت بی سوست دوانتها مدیریت می شود به عنوان مثال در این گوند جوامع دوانتها با گرفتین مالیاتهای بمعوقع و بجا، به توانمندی افراد نیازمند کمک می کنند. در مقوله توانمندی، فرهنگ و شرایط اجتماعی جایگاه مهمی دارند. به نظر من، فرهنگ در این زمینه حرف اول را میزند. هرچه فرهنگ کار و خصلتهای انسانی در آن بارور شود، قطعا جامعه توانمند تری خواهیم داشت. مانی که مااین مساله را مغفول بگذاریم و جوان و رسی - -- ین ------سل آینده، شاهداین باشد که همه در پی آنند که به هر طریقی کسب در آمد کنند، بهمرور، خصلتهای نسانى تضعيف مىشـودونتيجه اين خواهدبودكه سی صدید. نه تنهاجامعه از توانمند شدن باز می ماند بلکه روز به روز از نظر فرهنگی تحلیل می رود و تحلیل رفتن فرهنگی، باعث تضعیف جامعه واز درون پاشیدگی آن می شود. ماز گذشتگان خود اناب وسننی را به ارث برده ایم که در آنها به کسب روزی تأکید شده و در کنارش نستگیری از دیگران پسندیده شمرده شده است. ، بجموع همه اینها باعث می شود که ما، شاهد انسان ی ر د و در نتیجه جامعه توانمند باشیم بحثهای نونهنده و در نتیجه جنمته تونیسته پشیه پخت. فرهنگی بحثهایی هستند که از تودههای فرهیخته هر جامعه به دیگــر آحاد جامعه ســرایت میکنند. اباید به فرهیختگان بهابدهیم و منش و رفتار آنها سبیدیه ترمینستن بهت بینمیه و مستن ورسار بهم را برای جوانان خود الگوســـازی کنیم. این الگوسازی می توانداز طریق رادیو، تلویزیون،دانشگاههاو.ـــصورت بگیرد. برای ساختن جامعه توانمندباید کسب در آمد غير حُلالُ راً كم كنيم، سطح مُالياتها بايد بالا برود و نوز بع درآمد متناسب شـود تااميد به داشتن جامعه ررے ر توانمند دست یافتنی تر به نظر بر سد، البته در این مينه بايد دولت وار دعمل شود. متاسفانه دولتم دان رهینه پاید دونت و ارتحمل سود منصفاته تونمفران ما (صرف نظر از این یا آن دولت) مسائلی را مغفول گذاشــــته اند که به مرور زمان به بیماری ای اجتماعی تبدیل می شــود. آغـــاز این روند، بیمــاری اقتصادی

بدین هی سرد سطرین روستید رای سدت است اما در پی آن، بیماری فرهنگی ایجاد می شود. بدیهی است برای حل این مسائل، نیاز به برنامه ریزی وهدفگذاری های مناسب و راهبر دی داریم.